نگاه

خانه‌ام ابری است

سهیل محمودی

■ از وقتی این قاب تصویر متحرک (سینما) پا به عالم وجود نهاده، همیشه و همه جا ادبیات یار و یاورش بوده است. تاریخ سینما و فیلم‌های مهم سینما گواهی است بر این یاوری و همراهی. اصلا روشن‌تر بگویم که تعداد چشمگیری از بزرگان سینمای جهان و سینمای این سرزمین نیز حرفه نخستین‌شان ادبیات بوده است و شعر. در آخرین جشن خانه سینما هم – که من به جهت بیمارداری نتوانستم یکی از حاضران بر صندلی‌های انتهای باغ بهارستان باشم- سینمای ما با نفس گرم محمود دولت آبادی، یکی از بزرگان ادبیات امروز، شور و شوقی پیدا کرد. می‌بینم حالا که خانه سینما ابری است و بر در این خانه قفل «ورود ممنوع!» زده‌اند، حضور اهالی ادبیات در همراهی و همدلی با سینما، کمرنگ است... ای کاش اهالی ادبیات، دوستان شاعر و نویسنده من، در این روز و روزگار، خاطری مجموع‌تر داشته و سامانی بهتر، تا دستی از دل برآورند. ادبیات و ادیبان، نوشته و نویسنده، شعر و شاعر، حافظه تاریخ‌اند و امیدوارم که این حافظه در ثبت اندوهی که به جهت ویرانی خانه سینماست، دلی تپنده‌تر داشته باشند... ادبیات و شعر و نوشته و قلم، در این لحظه‌ها و در این هنگامه‌ها در خلوت خود و با نجابت می‌نگرند، می‌بینند و ثبت می‌کنند و به دست تاریخ می‌سپارند. همین چراغ امید ما «در شب سرد زمستانی» است که می‌توانیم فردا را روشن‌تر ببینیم و خورشید را تابنده‌تر دریابیم. کلمه و کلام در این عرصه خاموش نیست و به فردای روشن سینما و درخشش خانواده سینما امیدوارمان می‌سازد. جای قلم در این هنگامه‌ها خالی مباد.

۲۰ دی‌ماه یک‌هزار و سیصد و نود

آینه‌های روبه‌رو

پژمان سلطانی دبیر جشنواره «گفت»:

کتابفروشی‌ها به هم نزدیک شدند

■ سومین دوره جشنواره «گفت» یا گذر فرهنگی تهران از ۱۰دی در خیابان کریم‌خان آغاز شد. در این دوره از جشنواره ۱۲ کتابفروشی به همراه چند واحد فرهنگی منطقه این جشنواره را برگزار می‌کنند. پژمان سلطانی دبیر این جشنواره می‌گوید: «یکی از اهداف این جشنواره عبور از بحران‌هایی است که برای ناشران و کتابفروشان به وجود آمده و ما تلاش داریم موسسات فرهنگی دیگری نیز در این جشنواره وارد شوند و ما امسال سومین دوره این جشنواره را برگزار کردیم.» سلطانی با بیان اینکه من به این جشنواره ایمان دارم و معتقدم که این جشنواره در سال‌های بعد با استقبال بی‌نظیری روبه‌رو می‌شود، می‌گوید: «حتی ما بازدیدکننده از بیرون شهر هم خواهیم داشت. در شرایطی که دلار حدود ۱۷۰۰تومان شده است، دیگر خرید کتاب در اولویت مردم نیست. گرانی و عوامل بسیاری بر این جشنواره تاثیرگذار هستند اما با تمام این احوال به نظرم استقبال مردم مشابه دور دوم جشنواره است و معتقدم در دوره‌های بعدی اتفاق‌های خاصی برای این جشنواره رخ می‌دهد. بدون تبلیغ هم مشتری‌ها جذب جشنواره شده‌اند.» او می‌گوید: «ما تلاش داریم هر دوره نوآوری‌هایی داشته باشیم، مثلا در این دوره هم افتتاحیه داشتیم و هم اختتامیه در افتتاحیه کتابخانه خصوصی امید صبا را افتتاح کردیم. این کتابخانه مستقل و خصوصی در سه طبقه با حدود ۱۰هزار عنوان کتاب از افتخارات ما محسوب می‌شود. شهرداری هم قول داده است که به ما کمک کند البته کمک مالی منظورم نیست زیرا این جشنواره از هیچ موسسه‌ای کمک مالی نگرفته است، بلکه کمک‌هایی از قبیل زیباسازی پیاده‌روها و مبلمان جلو فروشگاه‌ها و قرار دادن سردیس مشاهیر فرهنگی روبه‌روی کتابفروشی‌ها. حتی ما بنا داریم زیر پل کریم‌خان را تبدیل به مکانی کنیم که بشود در آن تئاتر خیابانی اجرا کرد. اگر این کمک‌ها انجام شود، این جشنواره بیش از پیش رونق خواهد داشت.» دبیر این جشنواره فرهنگی خصوصی همچنین می‌گوید: «دیگر افتخارات این جشنواره تقدیر از بزرگان نشر است. در این دوره از خدمات داوود رمضان شیرازی، مدیر انتشارات سنایی که من به‌شخصه ایشان را دوست دارم، تجلیل کردیم و در دوره قبل از آقای جعفری بنیان‌گذار موسسه انتشارات امیرکبیر تقدیر کردیم، این تقدیرها شاید در گذشته به این شکل برای دوستان اتفاق نیفتاده باشد زیرا ما هم‌صنف هستیم و به خوبی همدیگر را می‌شناسیم.» سلطانی از تدوین یک آیین‌نامه برای این جشنواره خبر داد: «در حال تنظیم یک آیین‌نامه هستیم تا کسانی که درخواست دارند در جشنواره شرکت کنند پیشنهادهایشان بررسی شود و بتوانند به این جشنواره بپیوندند. کارت‌های مشترکی که بین این ۱۲ کتابفروشی توزیع شده است در حقیقت اشتراک‌گذاری منافع ماست. در جشنواره‌های قبلی بالغ بر ۱۷۰۰ تا دو هزار کارت عضویت داشتیم. به وسیله این کارت‌ها علاوه بر تخفیف در غیر از دوران جشنواره هم برای مشترکان‌مان اطلاع‌رسانی می‌کنیم. من اعتقاد دارم ما نه در خانواده‌هایمان و نه از طریق دولت با هزینه‌های فرهنگی آشنا نشده‌ایم. اگر برای کودکان‌مان کتاب بخریم یا به آنها کالای فرهنگی هدیه بدهیم آنها با هزینه‌های فرهنگی آشنا می‌شوند. ما با دادن تخفیف تلاش داریم تا هزینه فرهنگی را برای مردم جا بیندازیم.» او می‌گوید: «اتفاقاتی که در این جشنواره رخ داده است، در حقیقت دلگرمی ماست. طی این سه دوره کتابفروشی‌های کریم‌خان به هم نزدیک‌تر شده‌اند که قبل از آغاز این جشنواره، کتابفروشی‌هایی در معرض تعطیلی قرار داشتند.»

امروز دادگاه «خانه سینما» برگزار می‌شود؟

چشم‌انتظار رأی دیوان عدالت اداری

قرار است ساعت ۱۰ صبح امروز در شعبه ۳۵ مجتمع شهید صدر دادگاه خانه سینما برگزار شود. قرار برگزاری این دادگاه در پی شکایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از خانه سینما تعیین شده است. هرچند در آخرین واکنش وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به ایسنا گفته است: «با توجه به اینکه بحث انحلال خانه سینما اعلام شده دیگر نیازی نیست تا مراحل قضایی و دادگاه مربوط به شکایت وزارت ارشاد از خانه سینما پیگیری شود و کمیته امور سامان‌دهی صنفی سینما به‌زودی آغاز به کار می‌کند تا همه خدماتی که ارایه می‌شده ادامه داشته باشد و نحوه کار در آینده نیز روشن شود تا اگر انتخاباتی لازم است برگزار شود.» به گزارش ایسنا، حسینی همچنین با اشاره به اینکه این موضوع از نظر دولت تمام شده محسوب می‌شود از مخالفان خواست به جای فشار، تبلیغات و جوسازی پایبند قانون باشند. هرچند فرهاد توحیدی رییس هیات‌مدیره خانه سینما ساعتی قبل‌تر به شرق اعلام کرده بود «قرار است دفاعیات هیات‌مدیره خانه سینما در آن مطرح شود و احتمالا علاوه بر وکیل خانه سینما، محمدمهدی عسگرپور – مدیرعامل خانه سینما – نیز در این جلسه شرکت خواهد کرد.» و پیشتر نیز گفته بود «در این دادگاه از آنچه خانه سینما به آن اعتقاد دارد، دفاع خواهند کرد.» با توجه به اینکه وزارت ارشاد منتظر نماند تا در این دادگاه به نتیجه مورد نظر که پیشتر مطرح شده بود رسیدگی شود و وزیر ارشاد و شورای فرهنگ عمومی به انحلال خانه سینما اقدام کردند، به نظر می‌رسد پیگیری این شکایت برای وزارت ارشاد بیشتر هزینه زمانی و مادی داشته باشد. وزارت ارشاد پیشتر خواستار صدور دستور موقت مبنی بر جلوگیری از فعالیت موسسه خانه سینما به دلیل اساسنامه غیرقانونی و بر این اساس همچنین خواستار ابطال اساسنامه مصوب مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۲۰ خرداد ۸۷ هم شده است. مسوولان وزارت ارشاد از محاکم قضایی خواسته‌اند، اداره کل ثبت شرکت‌ها را موظف کند تا نسبت به ابطال اساسنامه فعلی خانه سینما اقدام کنند. وزیر ارشاد درباره موضع وزارتخانه متبوعش پس از اعلام نظر سینماگران درخصوص انحلال خانه سینما نیز گفت: «پیشنهادهایی مطرح می‌شود و قطعا از پیشنهادهایی درخصوص نحوه فعالیت آینده استفاده خواهد شد. همگان به اشکالاتی که در این زمینه وجود داشته است، اذعان دارند. اساسنامه اولیه خانه سینما نادیده انگاشته شده و تغییراتی که در اساسنامه انجام شده در هیچ مرجع قانونی تصویب نشده است. باید بنشینیم برای آینده همفکری و هم‌اندیشی کنیم که چگونه فعالیت تدوین شود تا ضابطه‌مند و قانونمند باشد، در عین حال که اعضای صنوف هم فعال باشند.» وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین تاکید کرد: «این بحث ما به معنای آن نیست که مخالف فعالیت‌های صنفی باشیم. ما به شدت از فعالیت‌های صنفی که ضابطه‌مند باشد حمایت‌می‌کنیم.»

خانه سینما منتظر حکم دیوان عدالت اداری

پس از انحلال خانه سینما، این نهاد صنفی به دیوان عدالت اداری شکایت خود را ارایه داد و دیروز صبح جلسه فوق‌العاده رسیدگی به این شکایت برگزار شد. فرهاد توحیدی در این‌باره می‌گوید: «نمی‌دانم که می‌توانم جزییات این نشست را تشریح کنم یا نه؟ ولی جلسه خوبی بود و مسایل و مستندات مطرح و ارایه شد. از طرف خانه سینما، غیر از من، محمدمهدی عسگرپور و دکتر سریر به همراه رضا خندان وکیل خانه سینما در آن حضور داشتند و از طرف وزارت ارشاد نیز مدیرکل حقوقی، بابک خانیان و دو نفر دیگر شرکت کرده بودند.» وی همچنین گفت: «ظرف سه، چهار روز آینده رای دیوان عدالت اداری در ارتباط با حکم انحلال خانه سینما توسط وزارت ارشاد اعلام می‌شود.» در یکی از مواد دیوان عدالت اداری ذکر شده است: «یکی از صلاحیت‌های این نهاد بررسی شکایت‌های مردم از تصمیمات و اقدامات سازمان‌ها و ادارات دولتی است.» این دیوان در مصوبات خود معمولا به هنرمندان با روی گشاده برخورد می‌کند. نمونه‌اش محکوم دانستن وزارت ارشاد در زمینه توقیف و عرضه غیرقانونی فیلم سنتوری به کارگردانی داریوش مهرجویی است.

نیکبخت: دو کار موازی ارشاد

صالح نیکبخت حقوقدان و وکیل مدافع در مورد انحلال «خانه سینما» گفت: «همان‌طوری که همکاران محترم در تحلیل حقوقی این انحلال «خانه سینما» بیان داشته‌اند با توجه به مطرح بودن پرونده انحلال در دادگاه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دیگر نمی‌توانست مبادرت به انحلال «خانه سینما» کند؛ کاری که در اساسنامه و طی دوره‌های مختلف که مورد پذیرش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز بوده، فقط در صلاحیت محاکم صالحه و مجمع عمومی فوق‌العاده است. زیرا اگر قرار باشد موضوعی در محکمه مورد بررسی قرار گیرد، دیگر نمی‌تواند به وسیله هر ارگان دیگری که خود را در این مورد ذی‌حق بداند، مورد عمل واقع شود.» وی همچنین در مورد مجوز داشتن «خانه سینما» و نحوه انحلال این نهاد صنفی افزود: «با توجه به اینکه «خانه سینما» دارای مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای ثبت در اداره ثبت شرکت‌ها به‌عنوان یک موسسه بوده است، دیگر این وزارت نمی‌تواند حق ادامه فعالیت «خانه سینما» را که به موجب قانون قبلا برای آن ایجاد شده بود خود از بین ببرد و این کار باید توسط مراجع قضایی صورت گیرد زیرا مراجع اداری و وزارتی یا به طور کلی قوه‌مجریه نمی‌تواند حقوق مکتسب یک شخص حقوقی را از بین برد. همچنان که در قانون تجارت که به نوعی شامل موسساتی که شبیه «خانه سینما» هستند، نیز می‌شود بعد از تشکیل شخصیت حقوقی جز از مسیر قانونی که برای انحلال این موسسات تعیین شده، نمی‌توان حکم انحلال این اشخاص حقوقی را صادر کرد. همچنان که در یک شخصیت حقوقی حتی اگر ۹۹درصد صاحبان سهام هم موافق انحلال شرکت باشند، بدون کسب نظر یک‌درصد دیگر و اقدام برای انحلال آن شخص حقوقی از مجاری قانونی نمی‌توان تصمیم به انحلال گرفت. به همین دلیل هم اقدام وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صرف‌نظر از صحت و سقم استدلال آن برای انحلال غیرقانونی است و این اقدام وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از طرف هیات‌مدیره «خانه سینما» به موجب قانون تشکیل دیوان عدالت اداری در این مرجع قضایی قابل شکایت است مضافا وزارت ارشاد دو کار موازی انجام داده که لاجرم فقط یکی از آن صحیح است. اگر درخواست انحلال در مراجع قضایی صحیح بوده، دیگر تصمیم اداری انحلال وجاهت قانونی ندارد.

وزیر ارشاد: با توجه به اینکه بحث انحلال خانه سینما اعلام شده دیگر نیازی نیست تا مراحل قضایی و دادگاه مربوط به شکایت وزارت ارشاد از خانه سینما پیگیری شود

بیژن میرباقری: قایل به قانون باشیم

بیژن میرباقری، کارگردان نیز در این زمینه به صورت خلاصه می‌گوید: «به قانون گرایش پیدا کنیم. قطعا انحلال خانه سینما به ضرر سینمای کشور است و سینمای ما را به یک امر سیاست‌زده تبدیل می‌کند.» وی درباره تشکیل صنف زیر نظر سازمان سینمایی می‌گوید: «در صورتی که قایل به قانون نباشیم، ذهن‌های عمومی را به سمت رفتارهای بی‌قانون سوق داده‌ایم. به همین علت اگر فرض وزیر ارشاد را هم بپذیریم که اهالی خانه سینما در سازمان سینمایی دور یکدیگر جمع شوند، باید بپرسیم کدام سازمان سینمایی؟ مگر غیر این است که تا به حال تنها چند جلسه برای تشکیل آن برگزار شده و در حال حاضر وجه قانونی پیدا نکرده، چون تشکیل نشده است. هر وقت سازمان سینمایی تشکیل و جزییات آن مشخص شد، می‌توانیم در مورد اینکه در آنجا گرد بیاییم، درباره مسایل صنفی و... صحبت کنیم.»

حمیدنژاد: خانه سینما غیرقابل انحلال است

عزیزالله حمیدنژاد در اظهارنظری دیگر تاکید می‌کند: «اساسا فکر می‌کنم خانه سینما غیرقابل انحلال است چون ۲۸ صنف دارد و سال‌هاست که فعالیت صنفی انجام می‌دهد. مجموعه اهالی سینما فعالیت‌های صنفی خود را از طریق خانه سینما پیگیری می‌کنند و به همین دلیل سال‌هاست که با آن خو گرفته‌ایم. بنابراین اگر خانه سینما منحل شود، قطعا آسیب‌های جبران‌ناپذیری به سینمای ما می‌زند. شکایتی که از خانه سینما صورت گرفته به دلیل اساسنامه آن بوده است و به همین دلیل اگر مشکلی با اساسنامه داریم بهتر است مذاکرات و جلسات گفت‌وگو را ادامه دهیم، نه اینکه کلیت خانه سینما و انحلال آن را مطرح کنیم. » وی با اشاره به هماهنگی بین سینماگران اشاره می‌کند: «اعضای خانه سینما در تمام این مدت نشان داده‌اند خواهان ایجاد تعامل برای حل مشکلات هستند. نمونه بارز آن جشنواره فیلم فجر است و اعضای خانه سینما همیشه از آن حمایت کرده‌اند. درحالی که الان مرتب می‌شنویم و گوشزد می‌کنند که خانه سینما تمایلی به همکاری با جشنواره ندارد ولی با توجه به همکاری و جلساتی که اعضای صنوف تاکنون داشته‌اند، این حرف‌ها دور از انصاف است.» از نظر او این مشکلات دو راه‌حل دارد: «اولین راهکار این است که از طریق افراد ذی‌صلاحی که سوابق طولانی در سینما دارند، وارد مذاکره شویم تا به یک راه‌حل مطلوب و مورد رضایت دو طرف برسیم و راهکار دوم این است که صرفا از طریق قوه‌قضاییه که مرجع بی‌طرفی است، مشکل را حل کنیم. در مورد پیشنهاد وزیر ارشاد مبنی بر گردآمدن اعضای خانه سینما در یک سازمان سینمایی اولین نکته‌ای که وجود دارد این است که اساسنامه مدونی شکل بگیرد. هنوز اساسنامه مدونی از سازمان سینمایی ارایه نشده و در حد یک پیش‌فرض است. حتی وقتی اعضای خانه سینما هم به این سازمان سینمایی بروند، همان آدم‌ها هستند. پس منطقی نیست که مسایل صنفی کنار گذاشته شود. به‌نظرم بهترین راه‌حل این است که خانه سینما با تجدیدنظرهایی فعالیت خود را از سر بگیرد و اصناف در همان‌جا فعالیت خود را ادامه دهند.»

مرادی کرمانی و کدخدامنشی

هوشنگ مرادی‌کرمانی داستان‌نویس و نویسنده «قصه‌های مجید» میهمان برنامه پارک ملت بود و در بخش‌هایی از این برنامه به شکل غیرمنتظره‌ای به انحلال خانه سینما اعتراض کرد. مرادی کرمانی در این برنامه با اشاره به اینکه خودش عضو خانه سینما است و بیش از ۴۰ سال است که با اهالی سینما در ارتباط بوده، گفت: «من با وزیر ارشاد آقای حسینی همشهری هستم و با آقای سجادپور دوست هستم. خطاب به این دو نفر می‌گویم جوری عمل نکنند که انحلال خانه سینما گردن آنها بیفتد. این برای ما کرمانی‌ها خوب نیست. جوری جفت‌وجور کنند وسعی کنند یک تعادلی به وجود آید.» وی با انتقاد از سیاسی‌شدن عرصه فرهنگ گفت: «من با آقایان عسگرپور و توحیدی هم دوست هستم. به نظرم خانه سینما خانه‌ای متعلق به هنرمندان است و هنرمندان همواره نقش ارزنده‌ای در نظام داشته‌اند.با انحلال خانه سینما، دل هنرمندان می‌شکند. می‌گویند اگر هنرمندی دستش بشکند با دست شکسته می‌تواند کار کند. ولی اگر دلش بشکند با دل شکسته نمی‌تواند کار کند. ما در جهانی هستیم که دیگر سقفی وجود ندارد با این وضعیت چرا ما می‌خواهیم بر در خانه سینما قفل بزنیم؟ ما هنرمندانی داریم که مردم ما آنها خندیده‌اند و گریه کرده‌اند. هم اکنون بسیاری از هنرمندان، خود تلویزیون عضو خانه سینما هستند.»وی ادامه داد: «باید کاری کنیم که نه سیخ بسوزد و نه کباب... اما با انحلال خانه سینما هم سیخ می‌سوزد و هم کباب... به نظرم باید این مشکل را با کدخدامنشی حل کرد. بسیاری از مشکلات این کشور با کدخدامنشی حل شده است. مسوولان باید کاری کنند خانه سینما پا برجا بماند و ما سر سیاه زمستون آلاخون والاخون نشویم!»

فرخ‌نژاد: سینماگران فعلا نمیرند

حمید فرخ‌نژاد، بازیگر و کارگردان سینمای ایران در ارتباط با انحلال خانه سینما با زاویه دیدی متفاوت نسبت به قضیه پرداخت. وی درباره انحلال خانه سینما به مهر گفت: «به هرحال پیش از این، خانه سینمایی وجود داشت که تشییع جنازه سینماگران را برعهده می‌گرفت اما در حال حاضر حتی شرایطی برای برگزاری مراسم تدفین هم وجود ندارد. با این وجود سینماداران فعلا خویشتنداری کنند و در این شرایط نمیرند.»

تابش:بدسلیقگی

محمدرضا تابش نماینده کنونی مجلس در گفت‌وگو با میراث خبر تاکید کرد: «وزارت ارشاد باید موضوع خانه سینما را از طریق قانونی پیگیری می‌کرد. اگر خانه سینما مساله‌ای داشت، وزارت ارشاد باید مدارک و مستندات خود را به مراجع قانونی ارایه می‌داد و از طریق قانونی اقدام می‌کرد. البته موضوع اینجاست که این اتفاق هم افتاده است، اما وزارت ارشاد منتظر برگزاری دادگاه و رأی آن نشده است.»

مستند بهمن کیارستمی در شارجه

مستند «جواد» به کارگردانی بهمن کیارستمی در قالب نمایشگاهی گروهی در مرکز هنری «مرایا»ی شارجه به نمایش گذاشته شد. این نمایشگاه که دربردارنده رسانه‌های مختلف هنری است، تا ۱۴ ژانویه (۲۴دی) ادامه دارد. مستند «جواد» به سفارش بی‌ینال شارجه در ۱۸ دقیقه ساخته شده است.

بازنشسته‌نمی‌شوم

استیون اسپیلبرگ گفت: «تا زمانی که کلینت ایستوود در عرصه فیلمسازی هستند، هیچ تصمیمی برای کناره‌گیری از دنیای سینما ندارد.» اسپیلبرگ درباره دوست خود می‌گوید: «او در ۸۱ سالگی نیز همچنان مشغول ساخت فیلم است. ما برخی مواقع درباره بازنشستگی‌مان با یکدیگر شوخی می‌کنیم.»

لطفی: به کسایی بد نگویید

محمدرضا لطفی در نشست نقد نغمه که به بررسی آثار کسایی می‌پرداخت، گفت: «نه به خود و نه به هیچ‌کس دیگر این اجازه را نمی‌دهم که از استاد حسن کسایی انتقاد کند، چراکه بررسی آثار او در حد ما نیست. این را به دلیل عشقم به حسن کسایی نمی‌گویم، بلکه این به علت عظمت، بینش، معرفت، حال و عشق او به ایران زمین است.»

خانه سینما، سقفی بر سر اهالی سینما: آری یا خیر؟

آنتونیا شرکا

حضور در مجمع سالیانه انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی خانه سینما که در ششم دی با دستور انتخابات ترمیمی برگزار شد، واقعیت‌هایی را به یاد اعضای آن انداخت که هرچه می‌کوشیم در رد ضرب المثل «حقیقت هم‌چون تهِ خیار تلخ است» باشند، نمی‌شود که نمی‌شود! هنوز یک سالی از انتشار خبر افتتاح عملیات خاکبرداری پروژه مسکن پردیس انجمن منتقدان و نویسندگان سینمای ایران با حضور محمدمهدی عسگرپور رییس خانه سینما و با هدف ساخت ۳۰ واحد مسکونی در زمینی به مساحت حدود ۲۰۰۰متر مربع در قالب مرحله نخست نگذشته، چه غم‌انگیز است شنیدن گزارش عملکرد انجمن در یک سال اخیر از زبان علیرضا غفاری عضو اصلی شورای مرکزی انجمن در همان جلسه مجمع، آنجا که دردمندانه تعریف می‌کند پروژه تعاونی مسکن متوقف مانده به دلیل اینکه انجمن به عنوان یک صنف در ساختار کشوری، وجود خارجی ندارد و بنابراین لازم است نخست در سازمان ثبت شرکت‌ها ثبت شود؛ اما غم‌انگیزتر آن است که وقتی نمایندگان انجمن برای حل این مشکل به معاونت سینمایی وزارت ارشاد اسلامی رجوع کردند که قاعدتا باید اولین متولی و حامی اصناف سینمایی باشد، وزارتخانه خواهان انحلال انجمن به منظور ثبت رسمی آن شد! یا به زبان ساده، پیش‌شرط وزارتخانه فوق این است که: اول اعلام کنید که نیستید تا ما قبول کنیم که هستید! چه حسن نیتی... چه مساعدتی! آن هم برای انجمنی که از سال ۷۳رسما به خانه سینما ملحق شده و فعالیت صنفی می‌کند! حال باید پرسید تکلیفمان چیست؟! این در حالی است که طبق آماری که رییس خانه سینما در همان مراسم کلنگ‌زنی اسفند ماه ۸۹ داد، حدود ۷۰درصد اهالی خانه سینما یعنی چیزی حدود چهارهزار نفر فاقد مسکن هستند. باری، از آنجا که همچنان عزم کرده‌ایم که حقیقت همیشه هم آن قدرها تلخ نیست، این سخن عسگرپور را به فال نیک می‌گیریم که: «مسایل صنفی را با وجود مشکلات باید پیگیری و با جدیت برطرف کرد.» و خود را برای خرید یک جفت کفش با پاشنه آهنین آماده می‌کنیم!

پارادوکس زیبای پرده‌های نقاشی

مهدی صادق‌زاده

هنر پست‌مدرن از زاویه پرمایگی رنگ و فرم و غنای نمایشی آن اشکال هنر پست‌مدرن است. این سه خصلت وجه مشترک بسیاری از اشکال هنر پست‌مدرن است. از این شیوه گاه برای بیان اندیشه‌های ساده و گاه برای انتقال پیام‌های پیچیده درباره مسایل مهم انسانی استفاده می‌شود. آثار نقاشان پست‌مدرن مانند پالادینو دارای ابعاد بزرگ‌اند و با مفاهیم فلسفه درآمیخته‌اند، مفهومی که در جست‌وجوی خلق آثار نو و پدیده‌های ناشناخته بشری است. باید اشاره شود ترسیم نقاشی مینیاتور روح را برمی‌تراود، ظرافت‌های حسی را برمی‌انگیزد اما در ارتباط با مفاهیم کلان درمی‌ماند. هنرمندانی چون جودی شیکاگو، کن کیف و فرانک استلاو هنر را اندیشه و کنش انسان می‌دانند و در جست‌وجوی تحول‌اند. آثار رضا پناهی، اما شیفته چندگانگی معانی است. کارنامه هنری او متاثر از تفکر جنبشگران «سبک بین‌الملل» است که در دهه ۱۹۲۰ ظهور کردند و در راس هرم این اندیشه افرادی چون والتر گروپیوس و میس وان دروهه می‌درخشند. او در آثار خود کثرت‌گرایی را با خصلتی چندفرهنگی عرضه می‌کند اما مبانی فرهنگی او از درونمایه‌های فلسفه اسلامی بال می‌گسترد و مبتنی بر ادیان ابراهیمی است؛ مفهومی واحد اما متکثر که مبتنی بر تفکر اندیشمندان بزرگی چون ملاصدرا و ابن عربی است که تاویل‌برانگیزی، بنیان شیوه تفکر آنهاست. نکته دیگری که در آثار این هنرمند می‌درخشد جسارت بیان پرده‌پوشی‌های ابن‌عربی است. آنچه را که از بیم زمانه سر به مهر گذاشت او در نگاه تصویر به سرپرده کشید و به میانه آورد تا صراحتا چارچوب پساساختارگرایی را تعریف کند. اگرچه نقاشی ابزاری سنتی است و سخت می‌تواند با پست‌مدرنیسم هماهنگ شود اما نقاشی‌های رضا پناهی از مشخصه‌های پست‌مدرنیسم یعنی پایان مطلق‌گرایی و جهان‌بینی غیرتراژیک نیز متاثر است که به زندگی و جهان به صورتی نرم و لطیف نگاه می‌کند. پارادوکس زیبای پرده‌های نقاشی وی دیدن بخش مهمی از احساسات، نگرش‌ها، باورها، تمایلات و ترجیحات در انسان‌هاست که در نحله پست‌مدرنیسم مطرح نیست.

گزارش تصویری

عدم حضور تعدادی از فیلم‌هایی که پیش از این در گمانه‌زنی‌ها به‌عنوان آثار مطرح معرفی می‌شدند جالب توجه است. این فیلم‌ها در سه گروه قرار می‌گیرند. گروه اول فیلم‌هایی که به دلایل فنی به جشنواره نرسیدند و برای اکران عمومی در سال آینده آماده خواهند شد. گروه دوم فیلم‌هایی هستند که به دلیل ممیزی هنوز امکان حضور در جشنواره را به دست نیاورده‌اند. نبودن فیلم‌هایی همچون «بی‌خود و بی‌جهت» عبدالرضا کاهانی کاملا متفاوت است و به نظر می‌رسد این فیلم در آستانه توقیف قرار گرفته است.

آرت‌دیلی: یکی از نقاشی‌های پیکاسو که در موزه ملی آتن نگهداری می‌شد، روز دوشنبه به همراه دو اثر ارزشمند دیگر از جمله شاهکاری از پیت موندریان دبه سرقت رفت. این نقاشی پیکاسو که «سر زن» نام دارد، در سال ۱۹۴۹ پس از جنگ جهانی دوم با پیام «احترام به مردم یونان» برای مقاومت آنها در برابر نیروهای نازی به مردم این کشور هدیه شده است. بر اساس اظهارات پلیس اثر دیگری از پیت موندریان و طرحی از آثار هنرمند ایتالیایی کاچیا نیز در این سرقت دزدیده شده است. پلیس اضافه کرد: «سرقت در ساعت پنج صبح به وقت محلی اتفاق افتاده است و تنها هفت دقیقه به طول انجامیده. سارقان زنگ‌های خطر بعضی بخش‌ها را بدون ورود به ساختمان از کار انداخته بودند. آنها همچنین یک حسگر را در محیط نمایشگاه موزه دستکاری کردند و نگهبان فقط موفق شده یکی از آنها را در حال دویدن مشاهده کند. زمانی که نگهبان به دنبال دزدها می‌دود، آنها مجبور می‌شوند یکی از آثار موندریان را در موزه رها کنند و به فرار خود ادامه دهند، با این حال موفق می‌شوند اثر دیگر موندریان را به سرقت ببرند. سارق یا سارقان این سه نقاشی را از قاب‌های آنها جدا کرده و سپس از موزه خارج کرده‌اند. این دزدی در آخرین روز نمایش جواهرات ناشناخته که شامل آثاری از هنرمند آلمانی آلبرت دورر و رامبراند بود، انجام شده است. نقاشی مسروقه پیکاسو، اثری کوبیسم است که در سال ۱۹۳۹ خلق شده و اثر رنگ‌روغن موندریان به سال ۱۹۰۵ بازمی‌گردد. اثر کاچیا هم یک منظره مذهبی از سنت دیگو است که با خودکار و جوهر نقاشی شده است. مقامات رسمی موزه هنوز قیمت اصلی آثار دزدیده‌شده را تخمین نزده‌اند.

کلبه کوچک من-۱۱۶

طنز خفیف

اردشیر خرمنکوب

■ یا آنجا که قرآن در سوره جمعه، شکل و شمایل باطنی دانشمندان و علمای دینی یهود را - وقتی به مفاهیم تورات پشت می‌کنند- به الاغی تشبیه می‌کند که بر پشتش کتاب بار کرده‌اند، به ترسیم کاریکاتوری دست می‌برد که فورا در ذهن ما نسبت میان فهم الاغ با دانش موجود در کتاب‌های پشتش، متبادر می‌شود. صحنه دیگری در قرآن دیدم که به یک طنز خفیف اما صریح می‌ماند. کاریکاتوری که جز اندیشه‌ای محال، بر آن حاکم نیست. خدا در طبیعت به شیوه‌ها و اشکال گوناگون با انسان سخن می‌گوید. با زبان باران و قوس‌وقزح. با زبان طلوع، غروب، امواج، باد، پرواز پرندگان، صدای رعد و قوانین بی‌برو برگشت حاکم بر هستی و بر اجتماعات بشری. پس چرا از شکوه تنوع آنها در قرآن بهره نبرد؟ مثلا سوگندهای قرآن، فصل تازه‌ای از کیفیت سوگند را به روی بشر گشود. پیش از آن، هیچ‌گاه کسی در حوزه ادب و شعر، به ضربآهنگ و ریتم پای اسبان، آنگاه که از سم‌هایشان جرقه برمی‌جهد، سوگند یاد نکرده بود. سخن به درازا نبرم. دریچه چهلم سوره اعراف را می‌گشایم: «... حتی یلج الجمل فی سمّ الخیاط... =مگر اینکه شتر از سوراخ سوزن بگذرد.» در این تصویر، ناگهان همه ما یک سوزن و یک شتر را در خیال و ذهن خود مجسم می‌کنیم. سوزنی که سوراخ ریزی دارد و شتری که برای عبور از دروازه سوراخ سوزن، در حیرت است. این تصویر، علنا کاریکاتوری از یک امر محال است. روح کلی آیه، رو به کسانی است که اهل تکبر و انکار آیات الهی‌اند. کسانی که در محدوده «طرد» الهی قرار دارند. کسانی که خدا از آنان روی برگردانده و بارش برکات آسمان را از آنان دریغ داشته است. کسانی که باید فکر ورود به بهشت خدا را از سر به‌در کنند. تا جایی که اگر شتر از سوراخ سوزن عبور کرد، آنان نیز می‌توانند به بهشت خدا داخل شوند. تمثیل شتر و سوزن، حس کلی آیه را به باریکه جای طنزی درمی‌اندازد که جز «محال» از آن برداشت نمی‌شود. اگر بخواهم «حسی» برای «چهره» قرآن پیشنهاد کنم، این حس، جز توازن و آرامشِ برخاسته از یک درونِ مطمئن نیست. چهره‌ای که با ترسیم مکرر (دوبلیکیت) نعمت‌ها و خیرها و خوبی‌ها و توصیف بهشت و بهشتیان متبسم می‌شود و با تکرار نکبت‌ها و دروغ‌ها و دغل‌کاری‌ها و آیه‌های عذاب، روی ترش می‌کند. این چهره متوازن، اگر به شوخ‌طبعی و تکرار هرازگاه آن درمی‌افتاد، بُرد و نفوذ فراگیر خود از کف می‌داد. قرآن با تعهدی هوشمندانه، از ورود به وادی جذاب اما سطحی طنز پرهیز کرده است. اما با مرزی مویین، به تمثیلی دست برده است که جز هنر، بر آن نمی‌توان اطلاق کرد. در مثال شتر و سوزن، به دلیل پرهیز از مستقیم‌گویی، یک مفهوم غنی با بهره‌مندی از تصویری اُترمال که در تخیل نیز امکان‌پذیر نیست، به مخزن ذهنی مخاطبان خود فرومی‌نشیند. این همان خاصیت دلنشینی است که اگر مختصری به طنز می‌گرایید، مخاطبان قرون و اعصارش، با توسل به همان مختصر، پوست از تن حقیقت می‌دریدند. بشر طناز با همه استعدادش، در پس و پشت دروازه طنز دورخیز کرده است. کافی است همراه و همنشین او دست به طنز ببرد، اینجاست که فنر فشرده طنازی او رها می‌شود و بارانی از شوخ‌طبعی‌های انباشته را بر او می‌بارد. در قرآن، دل خدا و پیامبران او از تمسخر انسان‌های مسخره و مسخره‌کننده سخت مکدر است. این جماعت مسخره‌گر، احتمالا آدم‌های مستعد در لودگی و طنازی بوده‌اند. اما از استعداد خود در راستای نابودی علم و عقل و عشق بهره برده و شمارگان فراوانی از آیات قرآن را به همین خصلت شوم خود اختصاص داده‌اند. این باور من است که اگر بخواهم در حوزه فرهنگ و ادب ایران و جهان، از یک «مودب» بزرگ نام ببرم، این یک تن، شکسپیر نیست، گوته نیست، تاگور نیست، سعدی و حافظ نیست، بلکه حکیم ابوالقاسم فردوسی است. این مرد، مظهر تجلی ادب (به معنای همان استواری اخلاقی) در عرصه انسانی و فرهنگی است. این مرد بزرگ، هم خود به لحاظ هویت شخصی مودب است و هم هوشمندانه، اثر سترگ و شریف خود شاهنام